بررسی

تاریخ علیه غایت‌باوری

«دموکراسی در برابر سرمایه‌داری» اولین اثری است که از آن میک سیزوود به فارسی ترجمه شده است. موضوعات مورد بحث این کتاب هم تاریخی‌اند. هم نظری. موضوع عمدهٔ تاریخی آن، نقد گرایش گسترده تقریباً جهان‌شمول در تفسیرهای غیرمارکسیستی شیوهٔ سرمایه‌داری با مشارکت کوناه‌ای از مارکسیسم است که اصول سرمایه‌داری و قوانین حرکت آن را به تمام تاریخ گذشته تسری داده و درست با بدیهی‌شمردن موضوعی که نیاز به توضیح دارد. پیدایش دوره مدرن را شرح می‌دهد. از نظر وی، چه باید کفت؟ آیا کارید این واژه‌یان کننده نابودی یا انحراف لیبرال‌دموکراسی است؟ بازیابی قدرت‌هایی که در مقابل اقتصاد رک یاخته‌اند، به معنای واقعی دموکراسی در سرمایه‌داری مدرن دارد؟ چگونه باید دموکراسی را از چدایی صوری قلمروهای سیاسی و اقتصادی بازیافت؟ در شرایطی که سرمایه‌داری قدرت‌های قهر اقتصادی را بازیافت؟ در شرایطی که سرمایه‌داری قدرت‌های قهر اقتصادی را معنایی دارد؟ آیا سرمایه‌داری می‌تواند با دموکراسی به معنای دقیق کلمه سازگار باشد؟ آیا سرمایه‌داری می‌تواند گسترشی فراتر از محدوده تعیین‌شده دموکراسی را بپذیرد؟ و در آخر آیا دموکراسی لیبرالی بر همه رفها چیره شده یا صرفاً آنها را به نوعی از نظرها بتهان کرده است؟ وی در مواجهه با این پرسش‌ها بر دموکراسی لیبرال‌شدن تأکید دارد. در نظر او وظیفه‌ای که لیبرالیسم برای برای خود تعیین کرده، همیشه ناگزیر بوده و خواهد ماند. تا زمانی که کارویت دموکراسی در جریان است. کتاب حاضر از مجموعه کتاب‌هایی است که مرتضوی درباره بحث کدار از فودالیسم به سرمایه‌داری ترجمه کرده و به‌تزیب عبارتند از: «کدار از عصر باستان به فودالیسم»، و «تبارهای دولت استبدادی» اثر پری اندرسن، «بحث برتر: ساختار طبقاتی زراعی و توسعه اقتصادی در اروپای بیشاصنعتی» اثر رابرت برنر، «خاستگاه سرمایه‌داری؛ از چشم‌اندازی گسترده‌تر» اثر الن میک سیزوود و آخرین کتاب این مجموعه با عنوان «رایش سرمایه‌داری» اثر الن میک سیزوود است.

«خاستگاه سرمایه‌داری» به این پرسش پاسخ می‌دهد که نظام خودپویی اقتصادی که ما امروزه به‌عنوان سرمایه‌داری می‌شناسیم چگونه از دل نظام رایاب و رعیتی اروپای فئودال گسترش پیدا کرد و جهان‌گستر شد و این شیوه متمایز تاکنون نیازهای مادی انسان را تمام شیوه‌های پیشین سازمانده‌ی زندگی و بازتولید اجتماعی تفاوت دارد. برای مدت کوتاهی، و طی یک تغییراتی در زندگی انسان بر روی کره زمین به وجود آمده است. کتاب درباره این خاستگاه و مجادلاتی است که از لحاظ تاریخی و هم نظری برانگیخته است. در این کتاب، مؤلف مقدمه‌ای در توضیح نظریه‌ها و مباحث مربوط به خاستگاه سرمایه‌داری، رابطه بین سرمایه‌داری و دولت- ملت‌های مدرن و امپریالیسم به خواننده‌گان ارائه می‌دهد. در پاره اول مهم‌ترین شرح‌های تاریخی و مباحثات پیرامون آنها را بررسی می‌کند. به طور خاص، به عامترین مدل توسعه سرمایه‌داری، به‌اصطلاح «مدل تجاری‌شدن» و انواع کونه‌های آن و همچنین به برخی از چالش‌های عمده در مقابل آن می‌پردازد. پاره‌های دوم و سوم شرح تاریخی جایگزینی را ارائه می‌کند که بر بحث‌های پاره اول و به‌ویژه بر تاریخ‌های متکی است که اصول متعارف حاکم بر اصناف طلبیده‌اند. از نظر وود، تناقض شرح‌های تاریخی که تاکنون از نحوه شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری به عمل آمده، این است که آنها به تحقق طبیعی گرایش‌های همیشه حاضر پرداخته‌اند. او در مقدمه توضیح می‌دهد که تقریبا بدون استثنا همه شرح‌های مربوط به خاستگاه سرمایه‌داری در نبیاد خود به صورت دورانی بوده‌اند: «آنها وجود پیشین سرمایه‌داری را می‌بینند تا تکوینِ آن را توضیح دهند. برای توضیح رایش متمایز سرمایه‌داری به پیشینه‌سازی سود. وجود عقلانیتی کلی را پیش‌فرض قرار داده‌اند که سود را بیشینه می‌کند. همچنین برای توضیح رایش سرمایه‌داری به بهبود بهروری کار توسط وسایل فنی. پیشرفت مداوم و تقریبا طبیعی بهبود فناوراته بهروری کار را پیش‌فرض قرار داده‌اند». او خاستگاه‌های این توضیحات را که «مصادره به مطلوبه» در مفاهیم اقتصاد سیاسی کلاسیک و روشنکری نهفته می‌داند.

در مجادلات تاریخی درباره خاستگاه سرمایه‌داری، به همان اندازه میان مارکسیست‌ها عدم توافق وجود دارد که بین مورخان مارکسیست و غیرمارکسیست. بسیاری از مارکسیست‌ها بیشتر دلبسته الگوی تجاری‌شدن قدیمی بوده‌اند تا جبرگرایی فناوراته. مارکسیست‌های دیگر به‌شدت منتقد این الگو بودند. این واقعیت از آنجا ناشی می‌شود که دو رویت متفاوت در آثار مارکس وجود دارد. یک روایت بسیار بسیار شبیه به الگوی مرسوم است که در آن تاریخ رایش مراحل در تقسیم کار، با فزاید فراتر رایش پیشرفت فناوراته همراه می‌شود و نقش اصلی به طبقات بورکر داده شده که به نظر می‌رسد سرمایه‌داری را فقط با رهایی از زنجیرهای فئودالی به وجود می‌آورد. در حقیقت، سرمایه‌داری پیش‌تر در فئودالیسم، به به کفته مارکس، «در درز و ترک‌های» آن وجود دارد و هنگامی که غل‌وزنجیرهای نظام فئودالی را

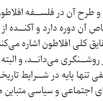

خاستگاه سرمایه‌داری
از چشم‌اندازی گسترده‌تر
الن میک سیزوود
ترجمه: حسن مرتضوی
ناشر: ثالث

سرمایه‌داری: یک گسست تاریخی

«می‌ترکانند»، به جریان اصلی تاریخ وارد می‌شود. این لب کلام روایت نوشته‌های قدیمی‌تری مانند «ایدئولوژی آلمانی» و «مانیفست کمونیست» است. در آنجا، خاستگاه سرمایه‌داری پیش از آنکه توضیح داده شود، همچون شکل اجتماعی دیدی تشریح می‌شود که آماده است توسط بروزوازی نوظهور هنگامی که غل و زنجیرهای فئودالی‌اش را رکار می‌گذارد رها شود. این روایتی است که دست‌کم در ایده‌های مارکسیستی سنتی «انقلاب بورژوایی» تقویت وجود دارد. از نظر وود، برای یافتن رویکرد متمایز و به واقع «مارکسیستی» مارکس باید به نقدش از اقتصاد سیاسی، در «گروندریسه» و «سرمایه»، مراجعه کنیم. نوآوری چشمگیر مارکس در مسئله تاریخی خاستگاه نظام سرمایه‌داری در بخش «به اصطلاح اباشت اولیه» در مجلد یکم سرمایه است. مارکس در اینجا قاطعانه از پارادایم قدیم می‌گسلد و بنیادی برای شرح و تفصیل‌های مهم توسط مورخان مارکسیست بعدی ایجاد می‌کند. وود در پاره اول به دقت نظریات کارل پولانی، پری اندرسن، رابرت برنر، موریس داب، ای. پی. تامپسن، کوندر فرانک، پل سویزی، امانوئل والرشتاین و متفکران دیگری را که گسستی از نظریات جبرباوارانه پیشین بودند، توضیح می‌دهد.

وود در پاره دوم به توضیح جدایی بین تجارت و سرمایه‌داری در دیگر شرح‌های خاستگاه سرمایه‌داری می‌پردازد که هنوز هم حتی بین برخی مارکسیست‌ها نادیده گرفته می‌شود و نقش آن در شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری. درباره دوم، به سلسله‌ای از تحولات تاریخی و درهم‌تنیده اشاره می‌کند که رایش نظام جدید سرمایه‌داری را ممکن ساخت: شکل‌گیری شهرها، رابطه شهرها و تجارت، نحوه خاص شکل‌گیری سرمایه‌داری در فلورانس و جمهوری هلند. نقش مهم سرمایه‌داری زراعی و تاثیر آن در ظهور مالکیت سرمایه و اخلاق «شهرها و آبادانی»، حصارکشی‌ها و مبارزات طبقاتی و انقلاب‌های بورژوایی در طی دو قرن انباشت سرمایه و کست از نظم پیشین. در باره سوم، با توضیح عضو طلایی سرمایه‌داری زراعی تفاوت آن در ایده‌های مارکسیستی سنتی «انقلاب بورژوایی» تقویت وجود دارد. از نظر وود، برای یافتن رویکرد متمایز و به واقع «مارکسیستی» مارکس باید به نقدش از اقتصاد سیاسی، در «گروندریسه» و «سرمایه»، مراجعه کنیم. نوآوری چشمگیر مارکس در مسئله تاریخی خاستگاه نظام سرمایه‌داری در بخش «به اصطلاح اباشت اولیه» در مجلد یکم سرمایه است. مارکس در اینجا قاطعانه از پارادایم قدیم می‌گسلد و بنیادی برای شرح و تفصیل‌های مهم توسط مورخان مارکسیست بعدی ایجاد می‌کند. وود در پاره اول به دقت نظریات کارل پولانی، پری اندرسن، رابرت برنر، موریس داب، ای. پی. تامپسن، کوندر فرانک، پل سویزی، امانوئل والرشتاین و متفکران دیگری را که گسستی از نظریات جبرباوارانه پیشین بودند، توضیح می‌دهد.

از چشم‌اندازی گسترده‌تر، اثر رابرت برنر، «خاستگاه سرمایه‌داری؛ از چشم‌اندازی گسترده‌تر» اثر الن میک سیزوود و آخرین کتاب این مجموعه با عنوان «رایش سرمایه‌داری» اثر الن میک سیزوود است.

بررسی

ماهیت امپریالیسم نوین

الن میک سیزوود در مقدمه کتاب «امپریالیسم نوین؛ سرمایه» که در ژانویه ۲۰۰۳ منتشر شد، جدایی نیروی نظامی امپریالیسم را از قدرت یکه‌تاز بسازاز، خصوصیت بارز امپریالیسم در دوران جدید می‌داند و عنوان می‌کند که «هرکسی که درباره امپریالیسم ایالات متحده سخن بکوید، احتمالا به این دلیل که ایالات متحده مستقیما بر جهان حکومت می‌کند و نیز به‌دلیل آنکه ایالات متحده از آن را اشغال نکرده به جالش طلبیده می‌شود. در حقیقت این همان دشواری است. در حال حاضر، ایالات متحده در کنار سایر قدرت‌های بزرگ امپریالیستی به ویژه اتحادیه اروپا، در پی تحولاتی که از آن روز معاهدات ژئوپلیتیک جهان را تغییر داده یعنی «دکترین بوش» و حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در جنگ‌های مختلف و تروریسم دوامی در خاورمیانه، این ادعای کتاب همان‌طور که در مقدمه مترجم هم به آن اشاره شده مورد تردید واقع شده است. البته در همان‌موقع هم نویسنده احساس انجام تحول جدید در سیاست‌های جهانی آمریکا را می‌دهد و در پیش‌گفتار می‌نویسد: «هنگامی که این کتاب آماده انتشار می‌شود جهان جهانی نیوی‌نامی‌دانند که ایالات متحده به‌واقع تهدیدش را برای جنگ یا عراق عملی می‌کند یا نه.» در ادامه او درباره غیرممکن نمی‌داند که آمریکا در مورد عراق به گزینه‌هایی مثل کوتا (شبیه آنچه برای اولین‌بار علیه دولت مصدق در ایران انجام شد) یا خروج داوطلبانه صدام حسین امید بسته باشد. متفکران لیبرال، این تغییر را انحرافی شدید از روند سیاست خارجی ایالات متحده از جنگ جهانی دوم به‌بعد دانستند. اما وود در پیش‌گفتار خود تأکید می‌کند که «این نوع از دیوانگی نه‌تنها در نیسده گذشته ایالات متحده بلکه در منطق نظام‌مند سرمایه‌داری ریشه‌ای استوار دوانده است». در حقیقت، جنگ امپریالیستی که لنین اولین‌بار در ۱۹۱۶ به صورتی منسجم در «امپریالیسم به مثابه عالی‌ترین مرحله سرمایه‌داری» آن را توضیح داد و آن را دوره‌ای جدید و تغییرکنندگی در ساختار سرمایه‌داری بر سر کشف منابع اولیه جدید و رقابت‌های انحصاری دانست در سراسر قرن بیستم و تا امروز در جریان است. از نظر لنین رقابت آزاد در نظام سرمایه‌داری به انحصار منجر می‌شود و نهایتا این انحصار است که امپریالیسم را شکل می‌دهد. او با آمار و ارقام مربوط به مبادلات اقتصادی سرمایه، این انحصار و ماهیت امپریالیسم را کشف می‌کند و نشان می‌دهد که پیدایش انحصارها، که معلول تمرکز تولید است، قانون عمومی و بنیادین هر مرحله از رشد و توسعه سرمایه‌داری را مشخص می‌کند. امروز امپراتوری سرمایه هرجا بتواند با زور اقتصادی شرکت‌های کلیسا حفظ شدند. (ص۲۰۳) تحولات امپراطوری غربی اشکال اجتماعی متمایزی آفرید که به باور وود، بدون آن‌ها تاریخ اروپای پس از آن قابل درک نیست و نمی‌توان عنوان کوتاهی برای این شکل‌های اجتماعی بعد از امپراطوری غربی در نظر گرفت. از این‌رو، پیشنهاد می‌دهد که از اصطلاح «فئودالیسم» یا جامعه فئودالی برای توصیف این شکل‌های اجتماعی استفاده شود. (ص۲۱۹) او معتقد است اگر تمرکز توجه ما بر فئودالیسم باشد، تعیین برخی لحظات دوران‌ساز مهم در اواسط قرن چهاردهم و پس از آن امکان‌پذیر خواهد بود: «دوره شیوع طاعون، کاهش شدید جمعیت، شورش‌های دهقانی و جنگ صد‌ساله». (ص۳۰۲) البته وود اذعان دارد که هیچ نظم فئودالی ثابت و واحدی در سراسر غرب وجود نداشته است. در فاصله قرون شش و دهم، دوره‌ای که آن را عصر فئودالی‌شدن می‌دانند، امپراطوری روم جای خود را به چیزی داد که «حاکمیت تکه‌تکه» خوانده می‌شود. در اینگاه اول و دوم، در تحت مربوط به پولیس یونان و امپراطوری روم، وود نشان داد که جدایی سیاسی زمین از دولت چگونه شهر خود و چطور با نمونه مشابه در قلمروهای دیگر فرق داشت و این‌طور نبود که محصول کار دهقانان به صورت فرمان‌برداری از یک دولت تصاحب‌گر توزیع‌شده و اشرافیت حاکم آن در قالب مالیات و خدمات اجباری از جنگ آنها در بیاید. در روم مالکیت خصوصی به کانون قدرتی متمایز بدل شد که بی‌سابقه بود. و دهقانان تولیدکننده به‌نحوی مستقیم‌تر تابع افراد تصاحب‌کننده‌ای بودند که محصول کار دهقانان را در قالب رانت و اجاره استخراج می‌کردند. این تحولات چگونه وود نشان می‌دهد. در فائون روم بازتاب یافت: قانونی که انحصاری بودن مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخت و بین دو شکل مطلقِ مالکیت و دارایی و قدرت حاکمیت دولتی تمایز قائل شد. وود حتی به این نکته می‌رسد که «همه‌جا هست و هیچ‌جا نیست». از نظر وود، چنین دیدگاه‌هایی نه‌تنها واقعیت آشکاری را که جلوی چشم ما در جریان است و نقش همان‌موقع هم نبوسنده احساس انجام تحول جدید در سیاست‌های جهانی آمریکا را می‌دهد و در پیش‌گفتار می‌نویسد: «هنگامی که این کتاب آماده انتشار می‌شود جهان جهانی نیوی‌نامی‌دانند که ایالات متحده به‌واقع تهدیدش را برای جنگ یا عراق عملی می‌کند یا نه.» در ادامه او می‌گوید: «این مسئله قلب فرض‌هایی را نشانه می‌رود که عمدتا در فرهنگ ما ریشه دوانده است: توهمات گسترده و خطرناکی که درباره به اصطلاح بازار «آزاد» و امتیازات آن برای انسان‌ها، سازگاری‌اش با دموکراسی، عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی. اندیشیدن به بدیل‌های آینده در برابر سرمایه‌داری متضمن آن است که به درلشت‌های بدیل گذشته آن بینیشیم.»

امپراتوری سرمایه

الن میک سیزوود
ترجمه: حسن مرتضوی
ناشر: نیکا
چاپ اول: ۱۳۸۸

بررسی

دموکراسی در برابر سرمایه‌داری

الن میک سیزوود
ترجمه: حسن مرتضوی
ناشر: بازتاب نگار
چاپ اول: ۱۳۸۵

«شهروندان و اربابان» اثر الن میک سیزوود منتشر شد

تاریخ اجتماعی نظریه سیاسی

مهران رنجبر

آخوندی، اثر الن وود، چاپ ۱۸۵۹

الن میک‌سیزوود متفکر و تاریخ‌نگار مارکسیست آمریکایی و یکی از چهره‌های تأثیرگذار در محافل علمی و سیاسی جهان بود. دامنه آثار او بسیار گسترده است: از آثار تاریخی درباره یونان باستان گرفته تا آثاری درباره اندیشه‌های سیاسی مدرن، نظریه سیاسی معاصر، مارکسیسم، ماتریالیسم تاریخی، ساختار و تکامل سرمایه‌داری مدرن، و شاید از همه مهم‌تر، بررسی تاریخ اجتماعی نظریه‌های سیاسی. او تالیراتی جسمگیر در بحث‌های دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ داشت و تا زمان مرگش و حتی هنوز هم چهره‌ای بانفوذ در این عرصه به شمار می‌رود. میک سیزوود در این اثر نیز متفکری شناخته‌شده است و علاوه بر تعدادی مقاله، برخی از مهم‌ترین آثارش به فارسی ترجمه شده‌اند: «امپراطوری سرمایه» (نشر نیکا)، «دموکراسی در برابر سرمایه‌داری» (انتشارات بازتاب‌نگار)، و «خاستگاه سرمایه‌داری از چشم‌اندازی گسترده‌تر» (نشر ثالث). هر سه کتاب را حسن مرتضوی ترجمه کرده است. به‌تازگی به همت نشر لاهیتا یکی دیگر از مهم‌ترین آثار میک سیزوود با ترجمه سوفیا صفاری ترجمه و منتشر شده است: «شهروندان و اربابان»؛ کتابی درباره تاریخ اجتماعی اندیشه سیاسی غرب از دوران باستان تا اواخر قرون وسطی از منظر تاریخ اجتماعی. موضوع این کتاب درباره نوعی خاص از اندیشه سیاسی است که در شرایط تاریخی خاص در یونان باستان سر برآورد و بیش از دو هزار سال در جایی که اکنون اروپا نامیده می‌شود، و نیز در پایگاه‌های استعماری‌اش، رشد کرد.

اغراق نیست اگر بگوییم وود در کتاب حاضر به بازنویسی تاریخ نظریه سیاسی غرب مشغول است. او در این کتاب آرای مهم‌ترین نظریه‌پردازان سیاسی غرب را به‌واسطه تضادهای روابط اجتماعی و سیاسی حاکم بر عصر هر یک از آنها می‌خواند. البته او تأکید دارد «منظور این نیست اندیشه‌های یک نظریه‌پرداز را می‌توان از موقعیت اجتماعی یا طبقه او پیش‌بینی کرد یا خواند. بلکه بررسی‌های به پیش روی در اندیشمند سیاسی قرار می‌گیرند. یا اینکه ممکن است پرسش‌هایی جواندان و جهان‌شمول به نظر برسند. اما برای آن در اشکال تاریخی معینی مطرح بوده‌اند». (ص۲۷) «شهروندان و اربابان» به‌عنوان یک اثر تاریخی، «از در سه مرحله دنبال می‌کند که هر یک را می‌توان یک فصل از اینکتاب‌های وود به تحلیل دو اثر کتاب دانست: (۱) یونان باستان (۲) امپراطوری روم و گذر از یونان و (۳) فئودالیسم قرون وسطی. بر همین اساس از اینکتاب اول آرای افلاطون، ارسطو، سوفوکل، آیسخولوس؛ از اینکتاه دوم آرای سیسرو و سنت پل و سنت آگوستین؛ و از اینکتاه سوم آرای آکوینس و ویلیام اوکامی به نحوی جامع و کامل بررسی می‌شود. متفکرانی که سخت بتوان نقش آنها را در جهان مدرن انکار کرد. مع‌الوصف، او در این کتاب از مرور فلسفه ایشان فراتر می‌رود و می‌کوشد بازخوانی‌های تاریخ‌نگاری‌های رایج در حوزه نظریه سیاسی غرب که بیشتر بر متفکران، فیلسوفان، طبقات حاکم، ملاکان و کسانی که به دفاع از آنان برخاسته‌اند و نیز برخی اعتبار یا به فوق خوش دست‌نشانده‌های طبقه مسلط متمرکز است. عاملیت تاریخی را منحصر به فرادست‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی دانسته و نقش مردم را نیز در سیر شکل‌گیری سنت نظریه سیاسی غرب برجسته کند. او تأکید دارد که آموزه‌های قانونی و حتی دموکراتیک غرب به همان اندازه که واهدار قدرت از قشر اشرافی و مالکیت، واهدار مبارزات مردمی نیز هستند. وود در اینجا بهترین راه رسیدن به معنای اکثریت حاموش را خوش‌دلق و زمینه مورن مرجع و تجربه تاریخی‌اش را می‌داند که نکات بسیاری درباره آنچه طبقات مسلط از فرودستان انتظار داشته‌اند، و نیز چیزهایی که سیب هراسشان می‌شد، به ما می‌آموزد. ازاین‌رو، زمین، مالکیت خصوصی، دهقانان و نسبت آن با طبقه حاکم، حقوق افراد جامعه و مشارکت در این دست نقشی برنرک در روایت و تحلیل وود از شکل‌گیری نظریه سیاسی غرب دارد. شاید بتوان گفت وود در این کتاب می‌کوشد روایتی مارتیالیستی از تاریخ نظریه سیاسی غرب ارائه دهد.

ایستگاه اول: پولیس یونان باستان

در اینجا وود خلقط کلی برخی از روش‌هایی را ترسیم می‌کند که پولیس و خصوصا دموکراسی را به‌عنوان شیوه‌ای جدید از تفکر پرورش داد، یعنی نقدی که از تفکر به کاربرد نظام‌مند اندیشه انتقادی برای طرح پرسش‌هایی درباره بنیادهای حقوق سیاسی است. او نشان می‌دهد این شیوه تفکر از نوعی رویه جدید سرچشمه می‌گرفت. به باور وود، در آتن دموکراتیک که موطن نخست کلاسیک نظریه سیاسی یونانی بود، جماعت مدنی خودفرمان و رویه سیاسی به اوج خود رسید، به عبارت دیگر، کنش در سپهر عمومی پولیس و جماعت شهروندان.

آنچه وود در زمینه یونان باستان همیشه جذاب و خواندنی بوده‌اند: او اولین نظریه‌پرداز و تاریخ‌نگاری بود که نشان داد کسترش فلسفه یونانی بیش از حضور بردگان مدیون حضور نیروی کار آزاد در جامعه آتنی بود. در کتاب «شهروندان و اربابان» نیز در همین مسیر حرکت می‌کند: «آزادی دهقانان یونان از هر شکل بندی یا از پرداخت خراج به ارباب یا دولت، برعکس هم‌قطارانشان در جاهای دیگر، همین چیزی بود که دریافت کنندگان از آزادی و آزادمرد را آفرید». (ص۴۸) او اضافه می‌کند «آزادی دهقانان کل طیف وابستگی را در هم پیچید و دوگانه محض آزادی و بردگی را باقی گذاشت. که یکی صفت شهروندان و دیگری وضعیتی بود که هیچ شهروندی را نمی‌شد به آن فروکاست». وود به‌خوبی نشان می‌دهد که مفهوم پولیس «الوتیا» (آزادی) معنایی فوق عبد دارد؛ آزادی از شیوه کارکردن برای دیگران، و این مفهوم نه به معنای «آزادی از کار، بلکه آزادی کار» است.

پیش‌تر تمدن میسنی که اولین تمدن پیشرفته در سرزمین اصلی یونان بود و از ۱۶۰۰ تا ۱۱۰۰ قبل از میلاد تداوم داشت، با مجموعه منسجم و درهم‌تنیده‌ای از قلمروها تعریف می‌شد که تحت نظارت چندین پادشاه بود و بر سرزمین یونان حکمرانی می‌کردند. علی‌رغم هم‌آوری و رقابت‌های سختی که میان این پادشاهان و قلمروهایشان وجود داشت، ارباب جامعه «هومری» یک دستگاه حاکمه مرکزی، یک «آریستوکراسی مبتنی بر مالکیت»، تشکیل دادند که در آن «همسنگی‌ها و منازعات طبقاتی در مناسبات بزرگان و نوکران یا ارباب و دهقانان و در اتحادیه‌های طبقاتی میان اربابان در جریان بود». ارباب هومری به اشرافیتی زمین‌دار بدل شدند و منافع مشترکشان آنان را در مقام صاحب‌کنندگان بر کله هم بیوند داد. به گفته وود «این اشرافیت برای صاحب کار تولیدکنندگان فرودست از قدرت‌های غیراقتصادی، به‌ویژه کشاورزان دهقانی‌اش، بهره می‌گرفت». بعد از حکمرانی تمدن میسنی به دوران مابعد تمدن میسنی می‌رسیم که وضعیت تا حدودی متفاوت بود: «تفاوت اساسی این بود که در یونان مابعد مسینی عملا هیچ دولتی، هیچ دستگاه حاکمه نیرومندی، نتوانست حاکمیت صاحب‌کنندگان بر تولیدکنندگان را حفظ کند». (ص۵۱) به روایت وود، در این دوره املاک در اختیار افراد و خانوارها بود و اشرافیت زمین‌دار دیگر بر قدرت کاملا سازمان‌یافته حاکم نبود و مناسبات آنان با دهقانان تولیدکننده روزبه‌روز بغرنج‌تر می‌شد. چون جامعه اتکای نظامی بیشتری به دهقانان پیدا کرده بود.

این تغییر در روابط ساختاری با یک پویایی سیاسی متفاوت همراه بود که به نظر وود از نوعی رویه جدید سرچشمه می‌گرفت و بیشتر مربوط به مبادلات و منازعات میان شهروندان که به‌رغم تعلقشان به طبقات مختلف به لحاظ هویت مدنی یکپارچه بودند. و ازهمین‌رو به‌ظاهر تفاوت چندانی با مناسبات حاکمان و زیردستان نداشت. در این دوران «نقش سیاسی تبار و خون اصیل، خوشبختی و کلان» به نفع «اصول غیرشخصی قانون و شهروندی» بیش از پیش تضعیف شد. (ص۵۳) بعدها پس از شکست آتن جیر باد سمت اسبارت‌ها، یونان به دوره‌ای از نزاع‌های خشونت‌بار گذاشت که لحظات بحرانی تاریخ یونان به حساب می‌آید. تا اینکه در حین و بعد از این دوره، عصر اصلاحات ساختاری آغاز شد؛ اصلاحاتی که به‌دست کلایستنس، که خود از خانواده‌های اشراف آن آتن و از نوادگان جبار سیسیو سیکون بود، صورت گرفت. کلایستنس را «پدر دموکراسی آتنی» و از پایه‌گذاران نظام‌های سیاسی امروزی می‌دانند که معروف است قدرت عوام را بیشتر کرده و به نفوذ اشراف آسیب رسانده. او پدربزرگ الکیبیادس، از فرماندهان جنگی آتنی و شاگردان سقراط بود. کلایستنس بعد از یک پیروزی مهم و پرافتخار با نبیاد نهاد که بعدها «پایه واستین دموکراسی قلمداد شدند». به روایت وود، اصلاحات او منجر به تضعیف بیشتر اقتدار سنتی اشرافیت و تقسیم قدرت آتن بر همسایگان و نیز کشاورزان کوچک‌تر در منطقه خود شد. وود متمایزترین وجه این مرحله از تاریخ آن را «تدبیل‌شدن دموی به عامل اصلی کشمکش‌های سیاسی» می‌داند. از این دوره به بعد وود که مردم به سیاسی آگاه و نیرومندی بدل شدند. وود تأثیرات اصلاحات کلایستنس را بسیار گسترده می‌داند: ازجمله این واقعیت که شهروندان آتنی از آن پس دیگر با تبار و خون بزی شناخته نمی‌شدند. نظمی جدید بنا گذاشته شد بنام «ایزونومیا» به معنای برابری در برابر قانون (البته نه به معنای برابری حقوق شهروندان بلکه برقراری تعادل بیشتر بین ارکان‌های حکومت) و به مجلس مردمی نقش قانون‌گذاری بی‌سابقه‌ای داده شد. البته اصلاحات کلایستنس تبارنامه‌نمونی‌ی‌ی‌